

اینک سی و یک سال از مرگ احمد ظاهر ، آوازخوان

نسلها می گذرد او هنوز هم محبوب قلبهاست

گفت و شنود فضل الرحیم رحیم خبرنگار آزاد با محترم بشیر دژم ، پیرامون شخصیت و کار هنری احمدظاهر .

رحیم - از آشنایی خود با احمدظاهر، بگوئید که کدام سالها بودو چگونه با هم آشنا شدید ؟

دژم - اولین دیدار نزدیک و آشنایی ما همانا در دیپارتمنت موسیقی رادیو افغانستان بود، زمانی که من یکی از آهنگهایم



را تمرین میکردم ایشان برای وعده ای که با محترم خلیل راغب داشتند در جریان تمرین وارد اتاق مشق ارکستر آماتوران شد و بعداز احوالپرسی باهمه، ارکستر کارش را برای لحظه ای معطل کرد که بنابر خواهش خودش از مسحورجمال صاحب که رهبر ارکستر ما بودند، گفت تمرین را ادامه بدهید من بعداز ختم کار شما با خلیل جان جایی باید برویم، تمرین ادامه پیدا کرد و من در فاصله ای دو متری احمد ظاهر می خواندم ، ترسیده بودم و گوش دادن وی برایم تعجب آور بود، مسحور جمال با اشاره بمن گفتند چرا ترسیدی؟ ادامه بده پس فردا ای آهنگت از طریق رادیو پخش می شود، نترس ، دقیق بخوان، همانطور شد وطبعاً بعداز چند بار تمرین کار تمام شد و دیگری که بعد از من در نوبت بود پهلوی مسحور جمال نشست و ادامه داد،

در همین موقع احمد ظاهر با عده ای منجمله خلیل جان راغب در روی صفت دیپارتمنت برآمدند و به قصه ها ادامه دادند که طبق معمول من هم برآمدم و در همان صفت ای که در صحن حویلی بود از من پرسیدند که این آهنگ را کی برایت ساخته؟ و در کدام مکتب هستی و... و... کاملاً طبیعی است که من در آنزمان جوان بی تجربه ولی عاشق هنر موسیقی بودم، شنیدن حتا چند حرف تشویقی احمد ظاهر برایم نهایت خاطره انگیز و فراموش نا شدنی بود ولو ما برایش اهمیتی داشتیم ویا نداشتیم... این دیدار ما در خزان سال 1354 خورشیدی واقع شدو نیم ساعتی را در بر داشت. این دیدار ها پیوسته تنها در محیط رادیو وتلوویزیون ادامه داشت و تصادفاً من و عمر شکیب که در آنزمان مامورین شعبات تخنیکی رادیو بودیم در حالیکه محترم شمس الدین مسرور پرودیوسر اداره موسیقی بودند در جریان اولین و آخرین ثبت تلویزیونی آهنگهای (خدا بود یارت ولیلی لیلی جان) اش در ساعت شش شام، که دیگر مامورین به خانه های شان رفتند واین ثبت به دایرکتوری خانم فریده انوری و آقای فارانی جریان داشت، آن ثبت را تا یک قسمتی شاهد بودیم ویا عجله به خانه رفته به همه اطمینان دادیم که امشب بعداز سرویس اخبار برای اولین بار، آهنگی از احمد ظاهر در تلویزیون نشر می شود و...

رحیم - یک عده ئی می گویند که احمدظاهر، در ابتدا تنبور، می نواخت آیا شما این را تأیید می کنید ؟

دژم - من هم از استاد مسحور جمال شنیده‌ام که احمد ظاهر در ابتداء ودر ارکستری که برای جشن های آنزمان در لیسه حبیبیه تشکیل شده بود اولاً با نوازنده گی آله تنبور که با مهارت می نواخت شامل شد و برای دیگران می نواخت، اما برای تفصیل بیشتر آن اگر عین سؤال از آقای جمال مطرح شود بهتر است چون ایشان خود در آن آرکستر کار می کردند

رحیم - احمدظاهر در نواختن کدام یک از آلات موسیقی توانایی بیشتر و بهتر داشت ؟

دژم - به عقیده‌ای من در کلیه آلات (پرده پی) چون اکوردیون، آرمونیه، بعد ها آرگن که تازه بکابل آمده بود ووسایلی در همین ردیف، که در وقت ضرورت هریک را با رعایت موازات آن به اجراء میگرفت.

رحیم - احمدظاهر ، مدتی چند سال با پدر اش به کشور هندوستان اقامت داشت به نظر شما این سفر تا چی حدی به کار و هنر وی در عرصه موسیقی تاثیر گذار بوده و احمد ظاهر ، گاه گاهی از خاطرات خودش از این سفر با شما حرفهای داشت لطفاً بگوئید که وی در مورد چگونه می اندیشید ؟



دژم - من میدانم که چنین بود اما متأسفانه ما اندراین باب هیچگاهی بحثی نداشتیم که درین جا قابل گفتن به شما باشد.

رحیم - آیا گاهی احمدظاهر ، از کسی به عنوان معلم و یا استاد ویا رهنمائی موسیقی خودش چیزی گفته بودو یا وی نزد کسی به عنوان شاگرد زانو زده بود ؟ آیا احمدظاهر ، از کسی درس موسیقی را فراگرفته است . شما درمصاحبه ء که چندی قبل داشتید گفتید که احمدظاهر ، نیز به دبپارتمنت موسیقی که د ر شهر نو کابل موقعیت داشت می آمد آیا وی برای فرا گیری موسیقی به انجا می آمد ؟

دژم - من در دیدار های بعدی ، در محافل خصوصی، مخصوصاً شبی را که احمد ظاهر مرحوم بنا بر دعوت استاد آرمان در گذرگاه کابل تشریف آورده بودند نیز حضور داشتم در آنجا هم در وقفه های موسیقی در باره آهنگهایش به همه معلومات می دادندو بار ها متوجه بودم که از مرحوم نی نواز بیشتر از دیگران یاد میکرد، چنانچه در همان شب وروز بعضی آهنگهایی را که از نی نواز زنده یاد به حیث کمپوزیتورش گرفته بود در همان شب برای همه ای ما میخواند وپیوسته از او یاد می کرد، اما اینکه مشخصاً شاگرد کسی بوده باشد من درین باره اطلاع ومعلوماتی ندارم،

بلی به جواب بخش دوم سؤال تان باید گفت که احمد ظاهر به دلایلی زیادی به آرکستر آماتوران دبپارتمنت موسیقی رادیو علاقه فراوان وگسست نا پذیری داشت وهر گاهی در آنجا می‌آمد نه برای آموزش، بلکه برای تمرین وآماده سازی آهنگ جدیدش بود وتا جایی که من میدانم ایشان آهنگهایش را معمولاً در افغان موزیک وقت ، ودر استدیوی 48 رادیو با استادانی دیگر آماده ثبت ساخته ودر همانجا ثبت میکردند حتا معمولاً یک روزی از صبح تا به ظهر آن استدیو در اختیارش قرار داده می شد، که درین زمینه ایشان هیچ مشکلی نداشتند.

رحیم - اجزای که یک آهنگ را می سازد اگر غلط نکرده باشم عبارت انداز : صدا ، کمپوز ، شعر و موزیک آن می باشد به نظر شما کدام یک از اینها در جذابیت و ماندگاری هنر و آهنگهای احمد ظاهر ، نقش دارد ؟

دژم - احمد ظاهر زنده یاد یکی از نخبه هابود، استعداد خداداد و سر شاری برای اجرای آهنگهایش داشت صدای باس و بیا سریله؟ (سرو لی) اش، حنجره صاف و صدای موزون ، با لی وتال بودنش و داشتن تسلط کافی بر اجرای اشعار، (دقیق خواندن کلمات شعر) انتخاب متناسب ریتم برای آهنگش، رعایت توازن شعر و کمپوز با انتخاب ریتم برای آن، انتخاب سرعت (تمپوی آهنگ) مضمون و محتوای شعر ، انتخاب شاعر ، رعایت زمان اجرای آهنگ، بالاخره انتخاب آلات موسیقی و نوازنده گان آن، طور مثال همین ترکیب دو آله ای پی پی چون (ترومپت و سکسفون جمع جازبند) ویا در بعد ها علاوه نمودن آلات تازی چون (لید گیتار و استفاده از بعضی صدا های نهایت موزون آرگن که یک پدیده نو بود، همزمان با آن ها استفاده از بهترین تکنیکر سوند (وثبت) و مهمتر از همه انتخاب کمپوزیتور ویا سادتر و فهما تر بگویم (داشتن کرکتر رفیقانه و احترام آمیز و خنده رویانه و سرشار از مستی و جوانی با (کمپوزیتوران درجه یک کشور منجمله مرحوم نی نواز) و... و... دهها مطلب دیگر دست بدست هم می دادند تا؛

احمد ظاهر خوبترین همه باشد، گرچه همزمان با او استعدادهای سر شار دیگری هم ظهور کردند و سراسر ایندند، اما نه به این ماند گاری؛ اگر شما یکایک موضوعاتی را که من پشت سر هم درین جواب ردیف کرده ام به دقت بخوانید و به آن توجه کنید می دانید که چه اجزایی دست به هم دادند که احمد ظاهر تا امروز در اذهان ملتش باقی بماند؟ رعایت نکات فوق که بدون شک تمرین و ممارستی و کرکتر شخصی اش را می طلبد، شاید ؟ اگر چنین آدمی باز ظهور کند ما احمد ظاهری دیگری داشته باشیم، گرچه او یگانه و برگشت ناپذیر است؛ موارد ذکر شده بالایی همه باعث گردیدند تا هنر وی مانده گار و به دلها نقشش دایمی و فراموش ناشدنی شوند.

رحیم - احمد ظاهر ، به عنوان یک آماتور به دنیای موسیقی رو آورد ولی از او توشه ء پر بها ئی هنری باقی مانده است که می شود به او هنر مند نسلا را خطاب نمود با توجه به این توشه ء گرانبهای که از او وجود دارد به نظر شما سبک هنر وی را در موسیقی چی می توانیم بنامیم ؟

دژم - احمد ظاهر در ابتداء یک آماتور (شوقی) بود و به هنر موسیقی به اساس تفنن و شوق و احساسش پرداخت ولی وقتی متوجه شد که جامعه او را به حیث یک آواز خوان پذیرفته است ، از همه مسایل دیگر چون تحصیلش در دارالمعلمین که در حقیقت او باید یک استاد می شد و یا کارش در افغانفلم ویا ... و سایر مسایل دیگر گذاشت و همه را کنار مانده صرفاً به هنر موسیقی پرداخت و با آن تا آخر عمرش هم مصروف شد و با هنر زیست ناگفته پیدا است با این همه نو آوری هایی که او در زمان حیاتش (فراتر از دیگران درخشش داشت) سبک خاصی از خودش را برای نسل بعدی به یادگار ماند او را می توان بنیانگذار سبک آماتوران (نوین) نامید زیرا آنچه آماتوران همدوره اش انجام می دادند (او) در همان (وقت) بازهم (یک قدم) جلو تر بود و با همین چند آله انتخابی خودش که فکر می کنم از سفر هایش در اروپا آموخته بود نسبت به دیگران با همان آهنگهایش بیشتر به دل شنونده گانش چنگ می زد، حال که شور بختانه او را در میان خود نداریم باید به صراحت نوشت و گفت که (او خودش بنیانگذار سبک احمد ظاهر بود) کلمه و نام (احمد ظاهر) امروز به معنای (یک سبک) است و می توان از آن پیروی کرد ویا سبک های دیگری را بوجود آورد که جا

گزین سبک (به جا مانده وی) گردد چنانچه عده کثیری از آماتوران همدوره خود ما و امروزی با کمال میل و رغبت از سبک احمد ظاهر با افتخار پیروی کرده هر کدام در تلاش (احمد ظاهر شدن) هستند که بسیار جای خوشی و مباحثات است؛ به شرطی که این صفات وی را نیز با خود حفظ کرده و نمونه های بهتر آنرا به نمایش بگذارند. اورا می توان بنیانگذار سبک جاز و لایت، در افغانستان نیز نامید، من قبلاً اشاره کردم شیوه انتخاب و نوع آرکسترش به مقتضای عصر خودش (ترومپت، سکسفون، جاز عادی با آرگن) این خودش یک نو آوری بود که هیچ کدام از آواز خوانان ما چنین شکلی را بلد نبودند و عملی نکرده بودند، چه در آنوقتها امکان زیاد کردن هر آله دیگر موسیقی دیگر برای وی کار ساده و امکان پذیر بود اما وی (همان را انتخاب کرد و تا آخر ادامه داد) این کار خودش به ذات خود ایجاد یک سبک یا (شیوه) است که بنیانگذارش تنها (احمد ظاهر بود و بس) البته منظوم درین جا روی استیژ و کنسرت های لایف است که در همین شیوه تا آخر ادامه داد، معلوم دار است که در ثبت های رادیویی هم از صدا های موزون سایر وسایل دیگر نیز سود برد اما در کنسرت هایش، شور و هیجانی را که ترومپت استاد ننگیالی مرحوم ایجاد می کرد برای همه مردم ما فراموش نماندنی است، بغیر از (احمد ظاهر کدام یک از دیگر آواز خوانان ما متوجه این باریکی شده بودند؟) من در بالاگفتم که بازدید وی از کشور های اروپایی و هندوستان هم بی تأثیر درین کارش نبود.

رحیم - عده ئی به این باور اند که شهرت هنری احمدظاهر، وابسته به موقف خانواده و بویژه پدرش می باشد تبصره شما در این زمینه چیست؟

دژم - من یک اشاره کوتاه درین زمینه داشتم، به هیچ صورت در هیچ کشوری پسر (ریس شورا ویا صدراعظم) بودن یک شخص گپ ساده ای نیست، گرچه در ابتدا همان پدرش با این هنرش موافقت نداشت، حتا آنرا ننگ و عار می دانستند، ولی زمانی که پدر به استعداد پسرش پی برد و او هم آزادانه به اینکار ادامه داد، و مانعی سر راهش نبود، با وجودی که پدر مصروف کار خود و پسر عاشق هنر و کار خود بود ولی کافیسست که همه بدانند احمد ظاهر پسر صدر اعظم مملکت است و یگان تا از سر چاپلوسی هم از ادامه کمک های بی دریغی از وی سر باز نمی زدند، ناگفته پیداست که بی تأثیر نبود؛

ولی ما گفتیم اگر او پسر صدراعظم می بود و بازم صفات بالایی را با خود در هنرش نمی داشت (کسی) نمی بود که امروزی سال بعد از مرگش من و شما را به خود مصروف سازد، او هنرمندی بود بی نیاز از واسطه پدرش، خودش همه در ها را با هنرش برویش باز می کرد، داشتن اقتصاد فامیلی و امکانات معیشتی و زیستی اش در سطح مملکت ما هم جز چانس های خدایی دیگری بود که در شهرتش تأثیر به سزایی داشت.

ولی این کلمه کاملاً نادرست است که بگوییم (شهرتش وابسته به موقف خانواده گی و به ویژه پدرش بوده این حرف به خصوص در مورد احمد ظاهر بکلی غیر قابل قبول است)

رحیم - آیا شما در عرصه موسیقی با احمد ظاهر، همکاری های داشتید لطفاً بگوید در کدام موارد د رکدام سالها بود؟

دژم - متأسفانه ازین خوشبختی محروم بودیم، ما تنها باوی زمانی که به رادیو ویا تلویزیون می آمدند سرو کار چند دقیقه ای می داشتیم که به هیچ صورت نامش را همکاری نمی گذاریم گرچه من هم در آن زمان برای ثبت و نشر آهنگ هایم وارد آن محیط می شدم؛ اما بر روی تصادف که داستان مفصل آنرا در کتاب موسیقی ام (ستاره های آریانا ذکر

کرده‌ام که عنقریب بدست خواننده گانش قرار خواهد گرفت)، تصادفاً در استیژروانی که برای تجلیل از پیروزی تحول ثور سال 1357 از جانب ریاست احصاییه مرکزی ساخته شده بود و این استیژ در بالای پل باغ عمومی در قطار مارش کننده کان در انتظار بسر می‌برد در یک وقفه کوتاهی (احمد ظاهر آمد و با اکوردیونی که من در شانه داشتم می‌نواختم آهنگ (لیلی لیلی جان) را خواند و در میان شور و شغف تمام کارمندان آنوقت احصاییه مرکزی افغانستان بعد از اجرای همین آهنگش ناپدید شد (رفت پی کارش) آن ده بیست دقیقه‌ای را که با وی در یک استیژ بودم و همه مردم دور استیژ سیار و متحرک ما جمع بودند و کف می‌زدند، نه کارمندان آنوقت احصاییه مرکزی و نه من که اصلاً آواز خوان اصلی آن استیژ بودم فرا موش نمی‌کنیم، توضیحات بیشتر این جریان را در کتابم بخوانید که این صحنه چگونه واقع شده بود؟

رحیم - می‌گویند که احمدظاهر، یک منتظم خوب موسیقی و یک دایرکتر با ثلیقه و سخت گیر در جریان ضبط آهنگهایش بود تبصره شما در این زمینه چیست؟

دژم - من در این باره بارها شنیده‌ام که نوازنده گانش را فردای ثبتش در گرد و نوای رادیو ملاقات می‌کردیم، چنانچه یک روزی از جمال صاحب شنیدم که چترام جی یکی از نوازنده گان چیره دست آلات ضربی در ثبت کست چهارم احمد ظاهر ابتکارات جالب و تازه ای کرد که برای وی نهایت روز خوشی بود، همین که (گروه هنری ستاره‌ها) وی را در ثبت مکمل یکی از کست‌هایش انتخاب و همراهی و کمک کردند در آنوقت گپ ساده‌ای نبود و چه زیبا هم نواختند و ماندگار؛ آقای عالمی که یکی از مشترکین و تخنیکران نهایت ورزیده ثبت (افغان موزیک) بودند همیشه از خوش سلیقه گی‌های وی با دوستان یاد می‌کردند و او را نمونه و مثال در میان دیگران می‌دانست.

رحیم - آیا شعر را برای آهنگها خودش برمی‌گزید و یا اینکه به سراغ اهل ادب می‌رفت بیشتر در این عرصه احمدظاهر، با کی‌ها مشوره می‌کرد؟

دژم - انتخاب شعر و متن (محتوای آهنگ) که از رکن‌های اساسی یکپارچه موسیقی هستند بدلیل درک وی از محیط و زمان، و محل و مکان اجراء برایش اهمیت زیادی داشت، انتخاب اشعاری از مولانا جلال الدین بلخی، رهی معیری، سیمین بهبهانی، حضرت حافظ، لاهوتی، شمس تبریزی، خلیلی، فروغی بسطامی، بهادر یگانه، خاقانی، ابوالحسن ورزی، فروغ فرخ زاد، فرخی یزدی، ... و حتا اشعار تهیجی و انقلابی چون (زنده گی آخر سر آید بنده گی در کار نیست) و یا تصنیفهای در خور عشق و عاشقی و پیوند دادن احساسات عاشقانه و فردی اش با این هنر که روزی می‌خواند (دست از طلب ندارم تا کام من برآید) و یا روز دیگری می‌خواند (اگه تو یارک من باشی، من به دنیا غمی ندارم) و یا (ای سرود واپسینم)، و یا از روی تصادف که خواند (مرگ من روزی فرا خواهد رسید) و ... و ... که این همه انتخاب‌ها استعدادی می‌خواست چون (وی)، در حقیقت او برای هر پیروزی و ناکامی اش صدایی از دلش می‌کشید و بر دلها می‌نشاند، (به موقع خواندن آهنگ مادر) برایش شهرت به سزایی کمایی کرد، این مساله در کار هنر نهایت با اهمیت است که شنونده بداند که این آوازخوان برای چی؟ و برای کی؟ داد و فریاد دارد؟ وقتی شنونده با احساس و درک و نوای آواز خوان خود را شریک کرد، آنگاهی ایست که بدلش چنان چنگ می‌زند که خود نا آگاه در همچو صحنه ای فریاد می‌کشد و با همان آهنگی که هنرمند دلخواهش‌های وهوی کرده فغان می‌کند و از دوری یار وفادارش ناله‌ها سر می‌دهد و به موسیقی دلخواهش پناه می‌برد،

درین وقتها یگان هنرمند تازه کار ما یک آهنگ جدید خوب را کمپوز می‌کند ولی برای شاعر یا (تصنیف کننده) می‌گوید که مطابق همین وزن و قافیه برایش شعری بگوید ویا تصنیفی بسازد، چون شاعر از درد کمپوزیتوری اطلاع است و پیامی هم ندارد برای گفتن، پس چند کلمه‌ای زیبا را با وزن و قافیه برابر کرده برای آوازخوان می‌فرستد، و آواز خوان هم آنرا به اجراء می‌گیرد، چون درد، درد شاعر است، نه از آواز خوان، پس آوهم به یک شکلی آنرا می‌خواند اما (احساسش) درین میان (گم) است همینجاست که به دلها چنگی نمی‌زند و دردی را دوا نمی‌کند؛ اما قراری که همه می‌دانیم، وقتی احمد ظاهر (که در زنده گی شخصی اش بسیار پرماجرهم بود) به مشکلی مواجه می‌شد همزمان با استفاده از همان حالت (الهامی اش) به دیوان های شاعران مراجعه می‌کرد و برای درد دلش شعری را انتخاب می‌کرد و در پی سراییدنش می‌افتاد، همین جاست که صدایش از دلی برمی‌خاست و دفعتاً به دلها می‌نشست، ویا اگر بنا بر رعایت کمپوزش نزد مصنفی میرفت (سوژه دهنده ای اصلی و پیام ده متن و محتوای شعر خودش بود، نه مصنف!!) او قصه دردش را به شاعر می‌گفت و از وی دریک قافیه معین تقاضای تصنیف جدید می‌کرد ویا به دیوان دیگری می‌شتافت، از قضا هر قدر دردش و مشککش بیشتر می‌بود و می‌شد به همان پیمانانه آهنگش تأثیر ناک تر سروده می‌شد. (این است اصل راز پیروزی احمد ظاهر فقید و خدا بیامرز) البته این درک من است ممکن طوری دیگری باشد؟ ممکن شاعران زیادی بودند که منبع الهام برایش می‌شدند اما باز هم حرف (آخر) را خودش می‌گفت؛ در همین حالت است که ما برای جوانان تازه کار درین عرصه همیشه توصیه و پیشنهاد می‌کنیم که اگر می‌خواهید (آوازخوان و هنرمند خوبی شوید) در پهلوی تمرین و ریاضت با ادبیات و خواندن اشعار و معانی آنها خود را بیشتر آشنا سازید، در غیر آن آهنگ را می‌خوانید و معنایش را نمی‌دانید ویا چه بهتر ازینکه از کسی که دراین ساحه ورود و تسلطی دارد مشوره بگیرید، و برای مشوره هم ارزش مادی و معنوی قابل شوید!

رحیم - نوازنده های چیره دست، با احمد ظاهر، همکاری داشتند چی در جریان ضبط آهنگهایش و چی زمان اجرای کنسرت هایش، به نظر شما همکاری آنها تا چی حدی در شهرت هنری وی نقش داشت؟

دژم - به هیچ صورتی نقش‌های اساسی را که زنده یاد استاد فقیر محمد ننگیالی در نواختن ترومپیت، استاد اسماعیل اعظمی در نواختن سکسفون، خلیل راغب و عبدالله اعتمادی در نواختن جازبند ویا (درم‌ها) همچنان نقش وحید قاسمی، استاد ارمان و... دیگرانی را درروی استیژهای کنسرتی اش، نمی‌توان فراموش کرد، به ساده گی می‌توانم بگویم یک بخش زیبایی مشهور ترین آهنگ لیلی جانس را باید مرهون خوش نوازی های مرحوم استاد ملنگ نجرابی باید باشد و به همین ترتیب در اجرای این همه آهنگهایی که وی خواند بیشتر از صد هاتن نوازنده گان رادیوتلوویزیون افغانستان بودند که با احمد ظاهر شانه به شانه کار کردند ولی هیچ کدام شان برابر احمد ظاهر نه قدر و منزلتی داشتند، نه عاید و شهرت، و نه امروز حتا در محافلی که برای وی می‌گیرند یک دعایی به حق شان نمی‌شود، بیایید تجربه کنید، با استفاده از امکانات تخنیکی و کمپیوتری امروزی (صدای زیبای احمد ظاهر را) از موسیقی اش جدا کنید شاید بیشتر از یکباری قابل شنیدن نباشد!!

آن‌ها هر یک نقش بسزایی در به شهرت رسانیدن این آواز خوان محبوب ما داشتند که نباید آنها را نادیده گرفت واز یاد برد.

رحیم - استفاده از آلات موسیقی شرقی و غربی در اجرای آهنگها را بیشتر نسبت می‌دهند به ابتکار احمد ظاهر، تبصره شما در این زمینه چیست که آیا قبل از احمد ظاهر دیگر هنرمندان به چنین کاری دست نزده بودند؟

دژم - این کار و ابتکار در زمانی آغاز یافت که اولین جوانه های هنری آماتوران در کشور ظهور کرد، اما از آنجایی که احمد ظاهر خودش در یک مقطع خاص زمانی رشد کرد و به شهرت رسید مردم عوام ما چنین می پندارند در حالی که این موضوع از حقیقت دور است،

رحیم - شنیده ام که احمد ظاهر ، گاه گاهی آهنگ هم می ساخت شما به عنوان دوست نزدیک هنری احمد ظاهر توضیح شما چیست ؟

دژم - عده کثیری از آهنگ هایش را خودش ساخته است او درین مورد هم استعداد قابل توجهی داشت اگر از آهنگهای دیگران و خارجی مثل از برگ گل کاغذ سازم ... ایرانی، و آهنگهای هندی هم استفاده می کرد آنرا کمتر از اصل نمی خواند، پس درینحالت مردم با نوای او آشنا بودند و همه را مربوط به او می دانند ، مگر اینکه بطور مشخص چه آهنگهایی را خودش کمپوز کرده است متأسفانه نمی توانم جواب قناعت بخشی به شما ارایه کنم، زیرا خودم هم دقیق نمی دانم.

رحیم - نگاه شما به شخصیت هنری احمد ظاهر ، چگونه است ؟

دژم - مابه زنده گیی شخصی وی سر و کاری نداریم، شخصیت هنری اش چنانچه بار ها تکرار کردم، یک شخص خوش برخورد، مهربان، خنده روی، بزه گو و مزاقی که با هرکسی با پیشانی باز و دهان پراز خنده بر می خورد، اگر مجبور می شد موترش را برای تیل انداختن در تانک تیلی ببرد و یابه مستری، برای ترمیم موترش برخورد کوتاهی داشته باشد در همان چند لحظه ای محدود هم از خود خاطره ای خوشی به جا می گذاشت و پی کارش می رفت ، با همکاران وهم مسلکانش که هیچ نپرسید، هیچ هنرمند نوازنده و آواز خوانی را تاحال سراغ ندارم که از وی کدام گله ای جدیی داشته باشد، اگر چنین می بود حتماً از جایی می شنیدیم، پس با این همه صفات نیکش از خداوند متعال یکبار دیگر برایش بهشت برین خواهیم.

رحیم - احمد ظاهر، هر چندکه عمر کوتاهی داشت اما با وصف اینکه زندگی با او یاری نکرد در عرصه موسیقی کشورما شخصیت استثنائی به شمار می آید که محبوبیت اش نه تنها در افغانستان ، بلکه خارج از افغانستان قلب های را مجذوب خود ساخته است . نظر شما به عنوان کار آگاه در عرصه موسیقی برای حفظ توشه هنری که از او به جا مانده و شخصیت هنری او برای نسلهای بعدی چیست ؟

دژم - من در ضمن عرایض دیگر می خواهم علاوه کنم که احمد ظاهر به یک الگو برای نسل های بعدی در هنر موسیقی ما تبدیل شده است و اکنون نامش ماندگار تاریخ شده و تا کنون هم با آن قدرت در دل مردم ما کسی دیگری جا نداشته است این ها همه یکسو، من از تا جیک مردی که عاشق صدای احمد ظاهر است شنیدم که اومی گفت؛

شما (مردم افغانستان) وقتی احمد ظاهر را کشیدید، دیگر روز خوبی را ندیدید!!

این پیام یکی از عاشقان صدایش است، شما وقتی به کشور تا جیک زبانها بروید می دانید که این هنرمند چه منزلتی در آنجا دارد ، اما در کشور خود ما؛ حتا یک جاده ای بنامش نامگذاری نه شد، مکتبی بنامش نامگذاری نشد و در حقیقت بیادش هیچ ابتکار جالبی نشد که بماند یادگار، در حالیکه بنام قوماندانهای آدمکش ما و سیاستمداران بی همه چیز ما در وقت (نامگذاری جاده ها، کمبودی نه می کنند) این است وضعیت فعلی در برابرش؛ من فکر می کنم پژوهش های جدی

در زنده گی و کارنامه های هنری وی باید صورت گیرد واز آهنگ هایش کتابی با نوتیشن بین المللی تهیه گردد تا آثار هنری اش ثبت تاریخ برای سده های بعدی شود ، برای حفاظت آثار موجوده رادیو تلویزیونی اش (یک یک کاپی) از آنها را با اساس یک پروتوکول رسمی در یکی از کشورهای خارجی که امکان حفاظت نهایت مسلکی را در سیستم تهویه و برق و آرشیف های مطمئن دارند برای نسل های بعدی حفظ گردد تا از گزند حوادث مصون بماند ، این پیشنهاد گرچه نهایت مهم است اما برای عملی کردن آن یک وزارت قوی کلتور و فرهنگ در کار است که آنرا بکلی درک و هضم و عملی کند ، من درین رابطه درجده دومی کتابم مطالبی را بیان داشته ام که عندالموقع خواهید خواند .

از شما قلباً و قبلاً سپاسگزارم .

فضل الرحیم رحیم

و همچنان تشکر از شما که این زمینه را مساعد ساختید تا درین مورد چند حرفی داشته باشم .

بشیر دژم

14.06.2010

رفقا، دوستان عزیزتارنمای وطندار ! لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله ها، نوشته ها، مضامین و

مطالب علمی و تحلیلی خود را جهت نشر به ادرس پوست الکترونیکی سایت بفرستید

admin@vatandar.at



مدیر مسوول : دیپلوم انجینیر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجینیرنجیب یوسفی

کلیه حق حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

بقیه گزیده های مقالات فضل الرحیم رحیم

<http://www.vatandar.at/fazelrahimrahim>